

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین (Dmitry MININ)

برگردان: ا. م. شبیری

۰۷ اکتوبر ۲۰۲۴

آرماگدون اجتناب‌ناپذیر در خاورمیانه باز هم به تعویق افتاد



پیامدهای آشکار و پنهان حمله راکتی ایران به اسرائیل

به نظر بسیاری‌ها وحشتناک‌ترین پیش‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌ها در مورد توسعه وضعیت در خاورمیانه در غروب اول اکتوبر ۲۰۲۴ به واقعیت پیوست. تصاویر حمله راکتی ایران در پاسخ به اقدامات دیوانه‌وار ارتش اسرائیل در منطقه، به معنای واقعی کلمه تمام جمعیت اسرائیل را که بسیاری از آن‌ها بمباران «موفق» لبنان را روز قبل جشن گرفتند، وحشت‌زده کرد. صدها راکت بالستیک تهران (بنا به گفته مقامات ایران – تا ۵۰۰، طبق برآوردهای غربی‌ها- حدود ۲۰۰ راکت) و تعداد زیادی راکت‌های رهگیری اسرائیلی از زمین و هواپیماهای جنگی، تمام آسمان را روشن کردند. گمان می‌رفت درگیری‌های گسترده در سراسر منطقه بلافاصله آغاز خواهد شد. ترمپ در امریکا که همه چیز را با چشم رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری می‌بیند، در همین رابطه گفت: «بایدن و هریس در آستانه یک جنگ جهانی قرار گرفته‌اند».

اما شب گذشت و صبح فرارسید و ارتش اسرائیل که همان شب قول داد با «آتش بی‌سابقه» به ایران پاسخ خواهد داد، به وعده خود عمل نکرد. و تهران اعلام کرد که از نتایج حمله خود کاملاً راضی است و اگر اسرائیل به وعده انتقام خود عمل نکند، دیگر به چنین اقداماتی ادامه نخواهد داد. ناگهان مشخص شد که بدون احتساب عواقب وحشت‌ساز، اصابت راکت‌های ایران عملاً هیچ تلفات جانی در پی نداشته است. سؤال این است: در حالی که ارتش اسرائیل کاملاً گیج شده بود، پس ایران به کجا شلیک کرد و چرا این قدر خوشحال است؟

دست‌آورد اصلی تهران قطعاً در جبهه اطلاع‌رسانی و تبلیغات که در نبردهای امروزی تقریباً نقش اصلی را بازی می‌کند، حاصل شد. از طریق شبکه‌های جهانی همه به وضوح دیدند و این واقعیت قابل انکار نیست که چگونه بخش

قابل توجهی از راکت‌های ایران و شاید اکثریت آن‌ها براحتی بر دستگاه‌های دفاع راکتی «گنبد آهنین» و «فلاخن داوود» اسرائیل غلبه کردند و اگرچه رسانه‌های غربی و اسرائیلی اعلام کردند که عملیات ایران موسوم به «وعده صادق ۲» تقریباً بدون اطلاع مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب ایران انجام شد، اما او بلافاصله از آن حمایت کرد و اعلام کرد که «گنبد آهنین رژیم صهیونیستی از شیشه هم شکننده‌تر است».

و این واقعیت که این حمله به ویژه در پس‌زمینه کشتارها در غزه و لبنان، به کشته شدن غیرنظامیان اسرائیلی نینجامید، در واقع یک عیب‌جویی است، نه شکست یک عملیات حیرت‌انگیز که «به سبک فارسی» طراحی شده بود. علاوه بر این، ایران حتی در لحظه پرتاب راکت‌های خود اعلام کرد که هدف همه آن‌ها صرفاً نظامی بوده و آسیبی به شهروندان عادی وارد نخواهد کرد. با توجه به فشردگی کشور، بسیاری از ساکنان شهرهای اسرائیل تصور می‌کردند که راکت‌ها مستقیماً به سمت آن‌ها پرواز می‌کنند. اما، در واقع به پایگاه‌های نزدیک اصابت کردند.

گفتن این که میزان خسارت وارد شده به ارتش اسرائیل دقیقاً چقدر است و آیا افراد نظامی نیز کشته شدند یا خیر، دشوار است. زیرا، هر رسانه یا هر فرد اسرائیلی که در این باره اطلاعاتی در فضای مجازی منتشر کند، بشدت مجازات می‌شود. ستاد کل ارتش اسرائیل وارد شدن هیچ خسارت و تلفاتی را قبول نمی‌کند. ایرانی‌ها از «انهدام کامل» پایگاه نواتیم، بزرگترین پایگاه هوایی اسرائیل در صحرای عقب، از جمله از کار انداختن ۲۰ جنگنده اف-۳۵ پیشرفته آمریکایی که ممکن است در کل کشور به این تعداد نباشد و همچنین، وارد کردن آسیب جدی به پایگاه هوایی تل‌نوف در نزدیکی تل‌آویو- محل استقرار عمدتاً هواپیماهای دوربرد اف-۱۵، صحبت می‌کنند. علاوه بر این، برخی از فلم‌ها از اصابت احتمالی راکت‌ها به سکوی تولید گاز در بحیره مدیترانه گواهی می‌دهند.

تأیید این داده‌ها تقریباً غیرممکن است. اما، این واقعیت را که به هر دوی این پایگاه‌ها حداقل ۱۰ راکت اصابت کرده و «آنتی» را که در بحیره می‌سوزد، بسیاری از ناظران مستقل ثبت کرده‌اند. البته، ارتش اسرائیل به حملات به پایگاه‌های هوایی اعتراف کرد. و این موفقیت واقعی ایران است که احتمالاً واکنش فوری اسرائیل را به تعویق انداخته است. انتظار می‌رفت که هدف اصلی اسرائیل در خاک ایران، همانطور که بارها اعلام کرده است، تأسیسات هسته‌ای و مراکز تولید نفت باشد. با این حال، حملات ایران به پایگاه‌های تل‌نوف، که گمان می‌رود بخشی از کلاهک‌های هسته‌ای اسرائیل در آن قرار دارد و همچنین، نواتیم که دفاع راکتی مرکز اصلی هسته‌ای دیمونا را پوشش می‌دهد، تهران نشان داد که اسرائیل نیز در این منطقه بسیار حساس کاملاً آسیب‌پذیر است. اگر یک راکت ایرانی بتواند «سپر» را مورد اصابت قرار دهد، به این معنی است که می‌تواند به خود راکتور نیز ضربه بزند. ایرانی‌ها در حمله قبلی خود در ماه آوریل سال جاری، تنها یک راکت به پایگاه نواتیم شلیک کردند و پس از آن اسرائیلی‌ها به طور نامنظم جاهائی در صحرای ایران را بمباران کردند. اکنون حتی پس از تقویت پدافند این پایگاه، به یکباره ده راکت به آن اصابت کرد. اما از کار انداختن تأسیسات نفتی ایران، که ممکن است به از دست دادن تولید گاز اسرائیل منجر شود، برابری مبادله نیست. ستاد کل ارتش اسرائیل چیزی برای فکر کردن دارد.

علاوه بر این، به گفته کارشناسان، ایران با این اقدام، مجموعه‌ای از راکت‌های بالستیک شهاب ۳ با برد ۲۵۰۰ کیلومتری تولید سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ را شلیک کرد که در حال نزدیک شدن به موعد بازیافت بودند. ایران راکت‌های قوی‌تر و دقیق‌تر تولید شده در سال‌های اخیر در زرادخانه‌های خود دارد. نسخه‌های امروزی از توانائی تصحیح مسیر ماهواره‌ای با استفاده از دستگاه موقعیت‌یاب جهانی و همچنین یک کلاهک مشترک (۵ بلوک، هر کدام ۲۲۰ کیلوگرمی) و مجتمع‌هایی برای غلبه بر دستگاه دفاع راکتی برخوردارند.

با این حال، خطرات آنقدر بالا رفته است که تصور این که رهبری سیاسی کنونی اسرائیل از یک حمله تلافی‌جویانه گسترده خودداری کند، دشوار است. نتانیاهو گام به گام، با دنبال کردن اهداف عمدتاً شخصی برای گزیر از دست دادگاه عدالت به دلیل ارتکاب جرم، کل اوضاع منطقه را به حدی ملتهب کرده است، که اگر اکنون عقب‌نشینی کند، بسادگی توسط یاران خود و حتی توسط مردم خود «تکه تکه خواهد شد». تنها چیزی که باقی می‌ماند راه‌اندازی آرم‌گدون واقعی است، که واقعاً «همه و همه چیز» را نابود خواهد کرد. به نظر می‌رسد که «بی‌بی» از قبل برای این کار در داخل آماده شده است.

اقدام ایران بار دیگر همه آن‌هایی را که در خاورمیانه زیر ضربات ارتش اسرائیل به ویژه، پس از ترور شیخ حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان و محو کامل یک محله بیروت از روی زمین روحیه خود را از دست داده بودند، به هیجان آورد. کشتن رهبران هرگز راه قابل اعتمادی برای تضعیف رژیم ایدئوکراتیک نبوده است. زیرا، رهبران جدید، حتی رادیکال‌تر جایگزین آن‌ها می‌شوند. حزب‌الله در شرف جبران خسارات سنگین است و زندگی در شمال اسرائیل زیر ضربات آن به جهنم تبدیل خواهد شد. شبه نظامیان حماس با بهره‌گیری از انتقال تعدادی از واحدهای اسرائیلی از غزه به لبنان، به ناچار در جنوب اسرائیل فعال‌تر خواهند شد. در کرانه باختری، جایی که بخش عمده فلسطینی‌ها زندگی می‌کنند، برای قیام عمومی فقط یک جرقه کافیسست. خلاف اطمینان رسانه‌های غربی، جامعه خود اسرائیل نیز به درجات مختلف در حال رادیکالیزه شدن است. حاکمان کشورهای سنی از این احساس ناراحتی می‌کنند که گویا عمدتاً شیعیان از هم مذهبیان فلسطینی خود دفاع می‌کنند. در صورتی که در اردن، حزب اخوان المسلمین که برای اولین بار در انتخابات پارلمانی اخیر پیروز شد، از ملک عبدالله می‌خواهد که موضع سخت‌تری نسبت به اسرائیل اتخاذ کند. حتی رئیس‌جمهور ترکیه خواستار شروع جنگ علیه اسرائیل شد، اگرچه کمتر کسی باور دارد که انقاره واقعاً با آن موافقت کند. البته، اردوغان که مستعد سخنان بلند است، تا الان با چنین سطحی از تهدید سخن نگفته است.

کشورهای عربی پیشرو مانند مصر و عربستان سعودی که نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل آن‌ها را به عنوان «کشورهای فرخنده» طبقه‌بندی کرد، به نظر نمی‌رسد شمشیرهای خود را از نیام برکشند و حتی به همکاری با کشور نتانیاهو فکر هم نکنند. پیمان «ابراهیم» بین آن‌ها با اسرائیل به خاک سپرده شده است. اسرائیل که اکنون از نظر فناوری نابود نشدنی به نظر می‌رسد، از نظر وجودی در درازمدت بسیار شکننده است. از حدود ۱۵ میلیون نفر جمعیت سرزمین‌های به رسمیت شناخته شده و اشغالی اسرائیل، ۷ میلیون نفر آن را یهودیان و ۸ میلیون نفر دیگر آن را رسته‌های مختلف اعراب (شهروندان ساکن مناطق مختلف در داخل کشور، فلسطینیان محروم از حقوق، ساکنان بیت‌المقدس شرقی با وضعیت حقوقی بینابینی) تشکیل می‌دهد.

نخایر برای بازگرداندن یهودیان به پایان رسیده و در عوض، حرکت در جهت مخالف که درگیری‌های بی‌پایان اسرائیل در وضعیت کنونی خود محکوم به آن است، شروع شده و بشدت تسهیل می‌شود. با این حال، نخبگان اسرائیل به دلایل مذهبی، ایدئولوژیک و غیره با ایجاد دو دولت موافق نیستند و حتی بیشتر از آن، با اعطای حقوق برابر به همه، فقط می‌تواند خطر آرم‌گدون را بدون این که از بین ببرد، به تأخیر بیندازد و وسعت احتمالی آن را افزایش دهد. بنابراین، هر قدر تصمیم‌گیری در مورد محل سکونت عادلانه و مشترک یا همسایگی این دو جامعه به تعویق بیفتد، اصولاً این امر دشوارتر می‌شود. میزان طرد و ناسازگاری متقابل فقط در حال افزایش است. اگر این وضع اکنون متوقف نشود، هیچ گزینه دیگری جز فروغلتیدن در ورطه هر ج و مرج و نابودی متقابل باقی نخواهد ماند.

توضیح: آرماگدون نام تپه بزرگی در فلسطین اشغالی است که گویا از زمان جنگ‌های صلیبی یک منطقه ستراتیژیک و محل جنگ‌های بسیاری بوده و صهیونیست‌ها، منطقه آرماگدون را محل نبرد آخرالزمانی بین سپاهیان خیر و شرّ می‌دانند. مترجم

منتشره در: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۵ مهر - میزان ۱۴۰۳